

کالبدشکافی تغییر راهبرد سیاست خارجی ترکیه از قدرت نرم به قدرت سخت در سوریه

* بهاره سازمند، مروه کایا طیب^۲

۱. دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۱ شهریور ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۲۸ شهریور ۱۴۰۲
تاریخ انتشار: ۱۵ شهریور ۱۴۰۳

چکیده

پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، چهار چوب سیاست خارجی ترکیه متحول شد. در این دوره سیاست خارجی ترکیه وارد گفتمان نوینی با محوریت دکترین «عمق استراتژیک» چندبعدی در قالب قدرت نرم و دیپلماسی عمومی شد. سیاست خارجی ترکیه به‌ویژه پس از تحولات سیاسی- اجتماعی بهار عربی، دستخوش تغییرات بسیاری شد. موج تحولات و دگرگونی‌های بهار عربی این فرصت را برای ترکیه فراهم کرد تا از ایده داوود اوغلو مبنی بر «عمق تاریخی، موقعیت جغرافیایی و میراث غنی و بزرگ برجای مانده از امپراتوری عثمانی» به‌عنوان فرصتی استثنایی برای تثبیت قدرت نرم و ایفای نقش فعال در حل و فصل مناقشات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای استفاده کند، ولی عوامل داخلی و خارجی متعدد از جمله فعالیت‌های پ.ی.د در سوریه و پ.ک.ک و داعش در داخل مرز ترکیه سیاست خارجی چندبعدی ترکیه در سوریه را برای مدتی طولانی به تعویق انداخت. ماشین تحولات در سیاست خارجی ترکیه با کودتای نافرجام ۲۰۱۶ بار دیگر به حرکت افتاد و سیاست خارجی ترکیه، ابعاد امنیتی نیز پیدا کرد. در این تحولات اهداف و جهت اصلی سیاست خارجی ترکیه تغییر نکرده و همچنان هدف چندبعدی کردن سیاست خارجی و کاهش وابستگی به غرب هدف عمده سیاست خارجی این کشور است، اما سازکار و ابزار تحقق این هدف تغییر کرده است؛ به این معنا که پس از کودتای ۱۵ جولای، ترکیه به رویکردی نو در سیاست خارجی روی آورده و بعد امنیتی در رفتار آن غالب شده است.

کلیدواژه‌ها:

سیاست خارجی ترکیه،
حزب عدالت و توسعه،
سوریه، واقع‌گرایی
نئوکلاسیک.

* نویسنده مسئول:

دکتر بهاره سازمند

نشانی:

دانشکده حقوق و علوم سیاسی،
دانشگاه تهران، تهران، ایران.

پست الکترونیک:

bsazmand@ut.ac.ir

استناد به این مقاله:

سازمند، بهاره و کایا طیب، مروه. (۱۴۰۳). کالبدشکافی تغییر راهبرد سیاست خارجی ترکیه از قدرت نرم به قدرت سخت در سوریه. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*. ۲۶(۲)، ۲۳۸-۲۱۷.

۱. مقدمه

از سال ۲۰۰۲ با روی کار آمدن آ.ک.پ چهارچوب سیاست خارجی ترکیه وارد گفتمان نوینی با دکترین «عمق استراتژیک» چندبعدی در قالب قدرت نرم و دیپلماسی عمومی شد. بر این اساس، این کشور درصدد استفاده از قدرت نرم و نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در سرزمین‌های سابق امپراتوری برآمد (Taspinar, 2012: 132). این تحولات به صورت عمده تحت تأثیر دو عامل شکل گرفته‌اند: نخستین عامل، تغییرات ایجادشده در فضای سیاسی، امنیتی، منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه است و عامل دیگر، تغییرات ایجادشده در نخبگان تصمیم‌گیر در عرصه سیاست داخلی و خارجی ترکیه در پی قدرت گرفتن اسلام‌گرایان آ.ک.پ است (Chegenizadeh and Khoshandam, 2010: 78). ظهور آ.ک.پ مسلمان محافظه‌کار و پیروزی متعاقب آن در انتخابات ۲۰۰۷، نگرانی‌هایی را در مورد فرسایش سکولاریسم در داخل و از دست دادن ترکیه در غرب برانگیخت (Meral and Paris, 2010: 75).

سیاستمداران حزب حاکم عدالت و توسعه تا قبل از سرنگونی دومینووار حاکمان تونس، مصر، لیبی و یمن موفق شدند با تکیه بر «قدرت نرم» در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به عنوان «الگوی شاخص» نقش رهبری را در منطقه ایفا کنند. در پی تضعیف این کشورها، مناسبات ترکیه با آمریکا در قالب ائتلاف ناتو و روابط ترکیه با کشورهای اروپایی و همچنین خاورمیانه ارتقا یافت. موج دگرگونی‌های بهار عربی برای ترکیه در آن سال آغازین فرصتی فراهم کرد تا این کشور نظریه عمق استراتژیک خود را کارآزمایی کند.

سیاست خارجی ترکیه به‌ویژه پس از بهار عربی، آن‌گونه‌که داوود اوغلو و اردوغان می‌خواستند پیش نرفت. تسویه اخوان‌المسلمین در مصر، ترکیه را در منطقه تنها کرد. به تدریج سوریه به دردسری بزرگ برای ترکیه تبدیل شد؛ دردسری که صرف نظر از اشتباهات رهبران ترکیه در محاسباتشان از اوضاع و تنها گذاشته شدن این کشور از سوی هم‌پیمانانش در منطقه و بی‌توجهی به منافع ملی - امنیتی آن از طرف هم‌پیمانان، در عرصه سیاست خارجی به تدریج باعث بروز اختلاف میان آنکارا و آمریکا شد. ترکیه مدتی به انزوای عمیقی با نام «تنهایی گران‌بها»^۱ روی آورد. در ادامه، ظهور داعش باعث انزوای بیشتر ترکیه شد. بروز این فرقه‌گرایی و رقابت ژئواستراتژیک، ترکیه آن‌چنان با موضوع پناهجویان دست به گریبان شد که از تهدید

1. Precious Solitude (isolationism)

تروریسم، که به نقش منطقه‌ای این کشور آسیب می‌زد، غافل ماند و فوریت مبارزه با تهدید داعش در سایه وسعت مسئله پناهجویان رنگ باخت.

ناآرامی سوریه، مسئله کردهای شمال سوریه و آینده سوریه، ترکیه را با وضعیت دشواری روبه‌رو کرد. خروج نیروهای ارتش سوریه از مناطق شمال سوریه در ۲۰۱۲ و کنترل کردهای سوریه قرار گرفتن این منطقه باعث نگرانی ترکیه شد. ترکیه با این تحلیل که حکومت بشار اسد در کوتاه‌مدت سقوط خواهد کرد، از اپوزیسیون سوری حمایت کرد. پ.ک.ک برای اولین بار در اثر خلأ قدرت و بدون هیچ‌گونه جنجالی بر سوریه تسلط یافت. برای ترکیه احتمال ایجاد یک کشور همسایه خودمختار تشکیل شده از یک گروه تروریستی مثل پ.ک.ک غیرقابل قبول بود. به‌رغم همه اینها، طبق روند نظریه عمق استراتژیک، رهبران ترکیه با پیشبرد اصلاحات سیاسی و قانون اساسی و گشایش سال ۲۰۱۳ «روند صلح»^۱، گام‌هایی برداشتند که یک ماه بعد پ.ک.ک عقب‌نشینی خود به شمال عراق را اعلام کرد. تحولاتی مانند وقایع پارک گزی^۲، پایان پروژه وحدت ملی و برادری با کردها پس از حمله جیلان پینار در ادامه شروع مجدد بحران داخلی ترکیه با پ.ک.ک، اختلافات بر سر نظام «ریاست جمهوری» در ترکیه بین آ.ک.پ و ه.د.پ، امید جدید پ.ک.ک برای ایجاد یک کشور در شمال سوریه، حملات داعش به کوبانی و فشارهای بین‌المللی، محیط را برای احیای سیاست دفاعی ترکیه فراهم و یک به یک ضرباتی را به استراتژی قدرت نرم ترکیه وارد کرد. رویکردهای دولت حزب عدالت و توسعه در قبال منطقه نشان‌دهنده یک واقع‌گرایی سیاسی (Jung, 2007:13) متوازن است که در نتیجه تلاش برای رهایی از معضلی پدید آمده که نظریه‌های کمالیستی و اسلام‌گرایانه ایجاد کردند.

در این موقعیت، به‌ویژه پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴، اردوغان مدیریت سیاست خارجی ترکیه را به‌عنوان رئیس‌جمهور بر عهده گرفت. وی نقش داوود اوغلو را در نظریه‌پردازی و اجرای سیاست خارجی محدود کرد. اردوغان به برقراری روابط شخصی با رهبران جهان توجه داشت. گفتمان ملی‌گرایانه و محافظه‌کارانه رئیس‌جمهور در سیاست داخلی، لحن سیاست خارجی را نیز تعیین کرد. این وضعیت باعث ایجاد برخی مشکلات در حفظ یک رابطه پایدار با کشورهای غربی شد.

-
2. Kurdish Reconciliation Initiative
 3. Gezi Park Protest

در اثر چرخش در سیاست خارجی ترکیه با کودتای نافرجام ۲۰۱۶ تحت سلطه مشکلی منحصر به فرد در منطقه، نفوذ عمیق گولنیست‌ها به تمام نهادهای دولتی (Aras and Richard, 2016:5) شتاب بیشتری گرفت. سیاست خارجی «چندبعدی آنکارا» با هدف وابستگی کمتر به غرب در موضوع‌های مهم، مسیر اصلی سیاست خارجی ترکیه در همه دولت‌های آ.ک.پ بود و برای اجرای این طرح به یک رویکرد امنیتی جدید نیاز شد. ترکیه به خاطر افزایش مخاطرات فراروی منافع ملی - امنیتی این کشور در منطقه، رویکرد قدرت سخت خود را به تدریج افزایش داد و آن را تا حدی جایگزین قدرت نرم کرد.

۱-۱. پرسش اصلی

پرسشی که این مقاله به آن پاسخ خواهد داد این است که چه متغیرهایی و چگونه موجب تغییر ماهیت و رویکرد سیاست خارجی سنتی ترکیه در سوریه شده است؟

۱-۲. روش پژوهش

این پژوهش به صورت کیفی و با روش تبیینی و چهارچوب نظری واقع‌گرایی نئوکلاسیک، که در ادامه توضیح داده می‌شود، انجام شده است.

۱-۳. فرضیه پژوهش

پاسخی که در قالب فرضیه ارائه می‌شود این است که محرک‌های سیستمی مانند ساختار نظام بین‌الملل، خلأ قدرت منطقه‌ای، برقرار نشدن نظم، به هم خوردن موازنه قدرت به اضافه عوامل سیاسی داخلی مانند ادراک رهبری سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه را دگرگون کرد و پویایی سیاست داخلی به موازات محرک‌های سیستمی بر سیاست خارجی ترکیه فشار جدی آورد و موجب امنیتی شدن سیاست خارجی ترکیه پس از ۲۰۱۶ شد.

۲. چهارچوب نظری پژوهش

واقع‌گرایی نئوکلاسیک، که گیدئون رز آن را نظریه‌پردازی کرده، چهارچوب جدیدی برای تحلیل سیاست خارجی ارائه می‌دهد؛ به گونه‌ای که متغیرهای نظام بین‌الملل و سطح واحد را ترکیب می‌کند تا سیاست خارجی کشورها را تحلیل کند. تحلیل واقع‌گرایی نئوکلاسیک معمولاً تحلیلی چندسطحی است که هم‌زمان نظام و سطح واحد دولت را تحلیل می‌کند و با ادغام

عوامل معطوف به نظام و عوامل داخلی، نظریه منسجم و سازگارتری با سیاست خارجی ارائه می‌دهد. توجه واقع‌گرایی نئوکلاسیک بیش از هر چیز به قدرت است و تنها به عوامل سطح واحد توجه ندارد، بلکه بر آن است تا برداشت‌های ذهنی و ساختار داخلی دولت‌ها را نیز واجد اهمیت بدانند. این دیدگاه به مسائلی همچون ایدئولوژی، هویت و ملی‌گرایی می‌پردازد و این عوامل را نیز در سیاست خارجی کشورها مؤثر می‌داند. صاحبان این دیدگاه برای دولت، رهبران و ترتیبات داخلی کشورها نقش مهمی در رفتار خارجی کشورها قائل هستند و فرایند تحلیل سیاست خارجی آنها شامل متغیرهای مستقل (عوامل سیستمی) برای آشکارسازی متغیر وابسته (رفتارهای سیاست خارجی) از طریق متغیرهای مداخله‌گر (ادراکات تصمیم‌گیرندگان و سایر عوامل محلی) است.

۳. زمینه و ادبیات پژوهش

آثار متعددی درباره تغییر جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه نوشته شده است. ملیحه بنلی آلتون اشیک (Altunışik, 2020) در مقاله «چرخش جدید در سیاست خارجی ترکیه در غرب آسیا: ناامنی‌های داخلی و منطقه‌ای» با نگاه کل‌نگر برآوردهای کلان از سیاست خارجی ترکیه بدست آورده که عاری از عمق بررسی است. بولنت آراس (Aras, 2017) در مقاله «سیاست خارجی ترکیه پس از ۱۵ جولای» بحران‌های چهارگانه بحران سیستمی، بحران سیاسی، بحران امنیتی و بحران هویت را به‌عنوان عوامل اصلی سیاست‌گذاری خارجی ترکیه مطرح کرده است. عایشه سزَن اوسلو آر (Usluer, 2016) در مقاله «کودتای نافرجام ۱۵ جولای و پیامدهای آن بر سیاست خارجی ترکیه» سیاست خارجی جدید ترکیه پس از کودتای نافرجام ۱۵ جولای را بر اساس نظریه نواقع‌گرایی بررسی کرده است. احمد هان (Han, 2013) در کتاب «بهشت گمشده: تحلیل واقع‌گرایی نئوکلاسیک از سیاست خارجی ترکیه؛ مطالعه موردی روابط ترکیه و سوریه» به بحث درباره چهارچوب مفهومی - نظری و در عین حال نشان دادن پیشینه تاریخی سیاست خارجی ترکیه در دوره دولت آ.ک.پ پرداخته است. باید گفت هیچ‌کدام از این آثار روی چرخش سیاست خارجی ترکیه تمرکز نداشته و روند تغییر سیاست ترکیه در قبال سوریه را از نگاه واقع‌گرایی نئوکلاسیک نیز تحلیل و ارزیابی نکرده‌اند.

۳-۱. مفاهیم اصلی سیاست خارجی ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه

مفاهیمی را که در سیاست خارجی دوره حکمرانی آ.ک.پ استفاده شد و غالباً دارای پیشینه آکادمیک

بود، احمد داوود اوغلو تدوین کرده است که به‌عنوان مشاور ارشد سیاست خارجی و وزیر امور خارجه ترکیه به یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین معماران سیاست خارجی در تاریخ ترکیه تبدیل شد. در ادامه مهم‌ترین مفاهیم مورد استفاده در سیاست خارجی ترکیه در دوره آ.ک.پ ارائه می‌شود:

۱. قدرت نرم^۴

مفهوم قدرت نرم که چهارچوب ساختار جدید سیاست خارجی ترکیه را تشکیل می‌دهد، منشأ هدف‌گیری ترکیه برای اجرای طرح تبدیل این کشور به مرکز جذاب منطقه‌ای است. ادغام قدرت سخت، ناشی از ظرفیت نظامی و ژئوپلیتیکی ترکیه با قدرت نرم این کشور است و قدرت نرم که در این ترکیب نقش پررنگ‌تری به خود گرفته، ارتباط مستقیمی با جریان دموکراسی، هویت فرهنگی، پویایی اقتصادی و نگرش دیپلماسی ترکیه دارد (Keyman, 2010:5). بر این مبنای، قدرت نرم ترکیه بر سه پایه بنا شده است: پیوندهای تاریخی و فرهنگی با کشورهای منطقه، سنت‌ها و نهادهای دموکراتیک و اقتصاد بازار آزاد در حال توسعه (Yeşiltaş and Balci, 2011:14).

۲. عمق استراتژیک^۵

این مفهوم که از زمان وزارت امور خارجه داوود اوغلو به «دکترین عمق استراتژیک» معروف شده، به نقشه راه‌بردی ترکیه در سیاست خارجی بدل شده است. این دکترین، نام خود را وام‌دار کتاب احمد داوود اوغلو در سال ۲۰۰۱ است و چهارچوب نظری آن عمدتاً روی بررسی ابعاد جغرافیایی سیاست خارجی ترکیه و تأکید بر اهمیت موقعیت ترکیه از لحاظ ژئوپلیتیک، ژئوفرننگ و ژئواکونومیک در سطوح بین‌المللی تمرکز دارد (Yeşiltaş and Balci, 2011:12). ترکیه که در سرزمین‌های مرکزی امپراتوری عثمانی تأسیس شد، عمق خود را از تاریخ، هویت و جغرافیای امپراتوری عثمانی گرفته است؛ زیرا ترکیه با توجه به موقعیت جغرافیایی کشوری خاورمیانه‌ای، بالکانی، مدیترانه‌ای، اروپایی و آسیایی به‌شمار می‌رود (Hacisalihoğlu, 2001:146). داوود اوغلو اساسی‌ترین تضاد در ترکیه را مشکل هماهنگی بین جامعه و نظام سیاسی می‌داند: «ناهماهنگی بین جامعه‌ای با انباشت فرهنگ سیاسی مبتنی بر غنای تاریخی و نظام سیاسی که تلاش می‌کند به یک تمدن دیگر یعنی اروپا ملحق شود» (Davutoğlu, 2011:83).

4. Soft Power
5. Strategic Depth

۳. مشکلات صفر با همسایگان^۶

بعد از جنگ سرد ترکیه که در میان همسایگانی ناپایدار، بی ثبات و سرسخت مخصوصاً در حوزه بالکان و خاورمیانه قرار داشت، در طول دهه ۱۹۹۰ سه دفعه در آستانه جنگ با همسایگان خود قرار گرفت (Walker, 2011: 6). ترکیه در این دوره با هدف افزایش نفوذ در منطقه و درگیر شدن با مسائل جهانی نمی خواست بخش قابل توجهی از انرژی خود را صرف مقابله با تهدیدات همسایگان خود کند (Gü der and Mercan, 2012).

۴. سبک جدید دیپلماسی^۷

طبق نظر داوود اوغلو، ترکیه بر اساس این ایده بنا شده که «بتواند کشوری باشد که هرگاه با مسئله هویت روبه‌رو شود راه‌حلی را برای آن مطرح کند؛ به این معنا که بدون اینکه از هویت شرقی خود در بسترهای شرقی رنجیده شود، بتواند انگاره‌های غرب را هم در بسترهای غربی درونی کند و درباره آینده اروپا با دیدگاهی اروپایی بحث کند.» (Davutoğlu, 2004). از این نظر زیرساخت فکری درک سیاست خارجی چند وجهی را تشکیل می‌دهد. این مفهوم که در سطح عملی کاربرد وسیع‌تری پیدا کرده به‌عنوان دیدگاه جدید سیاست خارجی ترکیه با «ابزار»، سبک و روش آن تعریف شده است (Aras, 2009). از آنجا که این سبک جدید به معنای اجرای دیپلماسی با قرار دادن «قدرت مدنی - اقتصادی» ترکیه و نه قدرت نظامی آن در پیش‌زمینه است، به‌عنوان سازکار اساسی سیاست قدرت نرم وارد عمل شده است (Davutoğlu, 2010).

۵. سیاست خارجی چند وجهی^۸

در دوره دولت آ.ک.پ این شاخص به یکی از اصول اساسی سیاست خارجی ترکیه تبدیل شد. چند وجهی بودن یک نتیجه ضروری از فعالیت‌های ناشی از موقعیت ترکیه به‌عنوان «کشوری مرکزی» تلقی می‌شود. منظور از سیاست خارجی چند وجهی، ارتباط هم‌زمان و هماهنگ با عوامل و کنشگران مختلف بین‌المللی است. در این چهارچوب به جای اینکه ترکیه روابط خود را با عوامل منطقه‌ای و جهانی به‌صورت تعامل استراتژیک جایگزین ببیند، آن را به‌عنوان روابط مکمل و درهم‌تنیده می‌بیند که وابستگی متقابل را بیشتر افزایش می‌دهد (Davutoğlu, 2004).

6. Zero- problem with Neighbours

7. New Diplomacy Style

8. Multi – Dimentional Foreign Policy

۶. سیاست خارجی فعال^۹

این امر به‌عنوان یک ضرورت عملیاتی در سیاست خارجی ترکیه مطرح شد. گرچه این مطلب به‌عنوان رویکردی در مورد چگونگی اعمال اصل اساسی سیاست خارجی ظاهر شد؛ طرز فکری بود که چهارچوب دیپلماسی را بر مبنای توسعه نظم بین‌المللی، بر اساس این ایده که ترکیه یک عامل نظم‌دهنده است، ترسیم و از آن برای توسعه سیاست‌های خود استفاده می‌کرد (Oğuzlu, 2008).

۳-۲. سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه (۲۰۱۱-۲۰۰۲): دوره همکاری استراتژیک و قدرت نرم

روابط ترکیه و سوریه عموماً در فضایی پرتنش جریان داشته و با مشکلاتی از دوران جنگ سرد یا حتی قبل از آن ادامه یافته است. از سال ۱۹۹۸ که با درخواست خروج پ.ک.ک از سوریه، روابط دوجانبه بین ترکیه و سوریه آغاز شد، با امضای توافق‌نامه آدانا، این روابط رویکرد نرم پیدا کرد و با شرکت رئیس‌جمهور وقت ترکیه در مراسم تشییع جنازه حافظ اسد، به‌طور فزاینده‌ای توسعه یافت و در ادامه پس از به قدرت رسیدن آ.ک.پ، با امضای توافق‌نامه همکاری نظامی سال ۲۰۰۲ به بالاترین سطح همکاری‌ها رسید (Oran, 2013: 402). در این میان پیشرفت‌های مثبت در روابط دو کشور در مواجهه با بسیاری از تحولات جهانی و منطقه‌ای مثل حملات ۱۱ سپتامبر، اشغال افغانستان و عراق از سوی آمریکا، به‌ویژه تهدیدی که پ.ک.ک برای کشورهای منطقه ایجاد کرد، اراده برای اقدام مشترک را آشکارتر کرد. ترکیه از دستگیری و استرداد تروریست‌های پ.ک.ک توسط سوریه به ترکیه به مرور زمان و محکومیت حملات و اقدام‌های انجام‌شده در قالب عملیات مشترک استقبال کرد (Oran, 2013: 414). در بحران به‌وجودآمده در روابط لبنان و سوریه به‌دنبال ترور حریری و جنگ داخلی در لبنان، سیاست‌های ترکیه همسوی با منافع سوریه بود. همچنین در میانجی‌گری در روابط سوریه و اسرائیل و مشکلاتی که در دوره بعد با اسرائیل داشت، ترکیه موضع نزدیکی در قبال سوریه اتخاذ کرد، در نتیجه دو کشور به یکدیگر نزدیک‌تر شدند. با توجه به اهمیتی که به گسترش روابط اقتصادی در سیاست خارجی ترکیه داده می‌شد، سوریه یکی از کشورهایی بود که گسترده‌ترین روابط را با ترکیه در منطقه داشت. بنابراین با توجه به اینکه گسترش روابط اقتصادی با کشورهای همسایه، روشی مؤثر

9. Active Foreign Policy

برای حل مشکلات محسوب می‌شد، آ.ک.پ اهمیت زیادی به این روش داد. به همین دلیل، توافق‌نامه تجارت آزاد با سوریه در سال ۲۰۰۴ امضا شد و حجم تجارت دو کشور افزایش چشمگیری یافت. صادرات ترکیه به سوریه طی ۱۰ سال ۹ برابر شد و حجم تجارت، که در سال دو هزار، ۱۸۴ میلیون و ۲۶۷ هزار دلار بود، تا نوامبر ۲۰۱۰ به یک میلیارد و ۶۴۲ میلیون دلار رسید (Bloomberg, 2011). در این تحولات، گروه نخست انجمن صنعتگران و بازرگانان ترکیه و گروه انجمن مستقل صنعتگران و بازرگانان نقش مهمی داشتند. در ۲۰۰۹ نیز توافق‌نامه همکاری استراتژیک در سطح عالی بین دو کشور امضا شد و سازکار همکاری با حضور وزرای حوزه‌های مختلف (امور خارجه، انرژی، عمران و آبادانی، امور داخلی) تدوین و توافق شد و روابط از یک چهارچوب گسترده همکاری در بالاترین سطح برخوردار شد. همچنین با لغو روادید در ۲۰۰۹، ترکیه و سوریه نزدیک‌ترین دوره تاریخی خود را تجربه کردند.

بنابراین در سیاست خارجی ترکیه، که نسبت به دوره قبل تفاوت‌های رویه‌ای بیشتری داشت، راه برای برداشتن گام‌های موثرتر باز شده بود. بنا به گفته داوود اوغلو، ترکیه نیز باید یک قدرت بزرگ باشد تا یک قدرت منطقه‌ای. با وجود این، این کشور ادعا می‌کرد که علاوه بر اروپایی بودن، کشوری است که به یک منطقه محدود نمی‌شود و متعلق به چند حوزه یعنی بالکان، خاورمیانه، قفقاز، آسیای مرکزی، خزر، مدیترانه و دریای سیاه است بنابراین ترکیه باید با فعال کردن منابع قدرت ناشی از تاریخ و جغرافیای خود، ظرفیت خود را آشکار کند (Davutoğlu, 2011: 118). این رویکرد مستلزم تدوین استراتژی توأم با ادغام عمق تاریخی و جغرافیایی در سیاست خارجی ترکیه است و ترکیه ضمن انجام این امر، راه‌های صلح‌آمیز و دیپلماتیک را برای افزایش نفوذ خود برجسته کند (Davutoğlu, 2011: 11). در نتیجه مفاهیم مهمی مانند مشکلات صفر با همسایگان، دیپلماسی فعال و سیاست خارجی چندجانبه به‌عنوان روش‌های این سیاست مشخص شدند. این مولفه‌ها در زمان گسترش روابط ترکیه با سوریه از اهمیت بالایی برخوردار شدند. گرچه اولویت با تغییر درک و دیدگاه تهدید بود؛ موضعی وجود داشت که به عادی‌سازی روابط ترکیه با سوریه و سپس به همکاری تقریباً در همه زمینه‌ها تبدیل شد، اما با اشغال افغانستان و عراق، مخالفت با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا و بحران مالی جهانی ۲۰۰۸، تغییر قابل توجهی در توازن قدرت منطقه‌ای روی داد. همچنین پ.ک.ک، یکی از بارزترین نمودهای تهدید ترکیه، از خلأ قدرت استفاده کرد و از شمال عراق جنگجویان را به خدمت گرفت و امنیت مرزهای ترکیه را به خطر انداخت.

مناسبات اقتصادی ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا با ترکیه، که بحران سال ۲۰۰۸ نیز بر آن تأثیرگذار بود، پیامدهای منفی برای ترکیه داشت. در نتیجه این تحولات بین‌المللی، ترکیه مجبور شد گام‌های جدیدی در سیاست خارجی خود بردارد. ترکیه باید با مناطقی مثل سوریه، که از لحاظ تاریخی و فرهنگی با این کشور پیوندهای مهمی دارد، روابط نزدیک‌تری برقرار می‌کرد. همچنین عوامل داخلی نیز در تعیین استراتژی جدید ترکیه تأثیر گذاشت. انجمن مستقل صنعتگران و بازرگانان، تصمیم‌گیرندگان را از طریق نیاز به بازار جدید و افکار عمومی علیه ایالات متحده آمریکا هدایت می‌کرد. در نتیجه ترکیه موقعیت منطقه‌ای خود را بدون درگیری با هژمون بلکه حول محور منافع خود تقویت کرد و روابطی مبتنی بر همکاری استراتژیک را با اولویت اقتصادی با کشورهای اطرافش به‌ویژه سوریه برقرار کرد، اما شورش مردمی بهار عربی در سال ۲۰۱۱ در سوریه به جنگ داخلی در این کشور انجامید و روابط دو کشور را تا حد زیادی متزلزل کرد.

۳-۳. سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه (۲۰۱۵-۲۰۱۲): اجتناب از پیامدهای منفی بحران امنیتی

با پایان یافتن دهه اول قرن بیست و یکم، جنبش‌های مردمی در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا آغاز شد. این روند به‌زودی وقایعی زنجیره‌ای را به وجود آورد که تأثیراتی جهانی از خود به‌جای گذاشت. این روند که در سوریه به طولانی‌ترین و خونین‌ترین شکل رخ نمود، تمام پویایی‌های منطقه را تغییر داد. بشار اسد که پس از حافظ اسد دولت را در دست گرفت، انتظارات مخالفان پدرش را افزایش داد. دلیل اصلی این مطالبه، دانش‌آموختگی اسد در غرب و سبک زندگی متناسب با فرهنگ غرب وی و وعده قرار دادن کشور در ریل نوسازی جدید بود که مردم را امیدوار کرد (Zisser, 2005: 117). در اوایل این دوره، ترکیه سیاست پرهیز از پیامدهای منفی بحران مبتنی بر امنیت را در پیش گرفت. با وجود این، مخالفت شدید افکار عمومی جهانی و قدرت‌های غربی با دولت سوریه، سیاستمداران ترکیه را مردد کرد. پس از آخرین سفر داوود اوغلو به دمشق، ترکیه راه خود را انتخاب کرد و مقابله با اسد و حمایت از گروه‌های مخالف جهت فروپاشی دولت را برگزید. در این راستا، گفتمان مقام‌های ترکیه پس از اوت ۲۰۱۱ نسبت به دوره قبل کاملاً تغییر کرد و از این رو، ترکیه با توسعه گفتمانی جدید سعی کرد از فرصت استفاده کند و به‌عنوان «کشور پیشرو» در ساختار نظام بین‌الملل، سیاستی مؤثر در منطقه اتخاذ کند.

ترکیه بر اساس حافظه تاریخی، خود را یک عامل منطقه‌ای و مسئول آینده منطقه خود می‌دانست (Milli Gazete, 2011).

در همین راستا، اولین گام عملی ترکیه در مقابل سوریه، درخواست از اسد برای کناره‌گیری از مقام خود بود. به‌علاوه در مارس ۲۰۱۲، ترکیه سفارت خود را در دمشق تعطیل و در ماه مه ۲۰۱۲ دیپلمات‌های سوری را اخراج کرد (Reuters, 2011) بنابراین دولت ترکیه در تحولات داخلی سوریه با فاصله گرفتن از سیاست‌های متعادل و اتخاذ سیاست‌های عجولانه، بی‌توجه به منافع و اولویت‌های سیاست خارجی سایر همسایگان خود از جمله ایران، یاری رساندن به گروه‌های مخالف سوریه و تلاش برای براندازی دولت اسد را در دستور کار خود قرار داد (Kiani, 2012:2).

با به وجود آمدن بحران سوریه در مرز ترکیه، هجوم پناهجویان به ترکیه و احیای پ.ک.ک. مسئله امنیت مرزی برای ترکیه تبدیل به یک مسئله جدی شد. این عامل که یکی از مولفه‌های مهم ساختاری محسوب می‌شود، در تمامی فعالیت‌های ترکیه تأثیر گذاشت. ادامه این روند، ترکیه سیاست «درهای باز» را در قبال پناهجویان اجرا کرد؛ زیرا ترکیه به موضوع سوریه به‌عنوان یک موضوع سیاست خارجی نگاه نکرد، بلکه به‌عنوان موضوع سیاست داخلی به آن نگرست. دلیل این امر، مرز زمینی ترکیه با سوریه، بحران احتمالی پناهجویان به ترکیه و نوعی سرریز جنگ به ترکیه بود. بر اساس این رویکرد، این بحران بیش از آنکه به یک موضوع دیپلماتیک تبدیل شود، به یک موضوع امنیتی تبدیل شد بنابراین موضع‌گیری ترکیه علاوه بر تمامی ابعاد سیاسی در واقع ناشی از یک نگرانی امنیتی شد.

خروج آمریکا از خاورمیانه باعث ایجاد خلأ قدرت منطقه‌ای در نظام بین‌المللی شد که به‌طور فزاینده‌ای بر سر سوریه دوقطبی و در چهارچوب متحدان و مخالفان سوریه به دو بخش تقسیم شد. در چنین جوی، حضور فعال ترکیه هم در پویایی منطقه‌ای و هم در نظام جهانی اجتناب‌ناپذیر شد. با غیبت آمریکا رقابت در نظام منطقه‌ای افزایش یافت. به‌ویژه مخالفت حزب اصلی اپوزیسیون یعنی ج.ه.پ با این سیاست، بحث سوریه را در دستور کار سیاست خارجی ترکیه نگه داشت و با ورود پناهجویان سوری به ترکیه، این موضوع تبدیل به یک مسئله چالش‌برانگیز شد. ترکیه به‌دلیل صداهای مخالف در فضای سیاست داخلی، از مداخله فعال در سوریه پرهیز کرد بنابراین در چهارچوب استراتژی موازنه

در رابطه با سوریه، در برابر ایران- سوریه و متحدانش، از گروه‌های مخالف اسد حمایت و از اقدامات انفرادی پرهیز کرد؛ زیرا اردوغان معتقد بود که دولت سوریه خیلی سریع فرو می‌پاشد (Hü rriyet,2011).

ناآرامی‌های سوریه مسئله کردهای شمال سوریه و آینده سوریه، ترکیه را با وضعیت دشواری روبه‌رو کرد. خروج نیروهای ارتش سوریه از مناطق کردنشین سوریه در ۱۹ جولای ۲۰۱۲ و در کنترل کردهای سوریه قرار گرفتن این منطقه باعث نگرانی ترکیه در مورد آینده سوریه شد. ترکیه با این تحلیل که حکومت بشار اسد در کوتاه‌مدت سقوط خواهد کرد، از اپوزیسیون سوری حمایت جدی کرد. پس از طولانی شدن بحران، نیروهای ارتش سوریه از مناطق کردنشین سوریه خارج شدند و قدرت را در شمال سوریه و مرز جنوبی ترکیه واگذار کردند. پ.ک.ک برای اولین بار بدون هیچ‌گونه جنجالی بر منطقه‌ای در شمال سوریه، پ.ی.د، به‌عنوان شاخه پ.ک.ک، تسلط یافت.

استراتژی امنیتی ترکیه در این دوره با درهم‌تنیدگی با عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی و داخلی شکل گرفت. پس از سال ۲۰۱۲ دو وجه دیپلماتیک و امنیتی در سیاست خارجی ترکیه وجود داشته است. ترکیه از نظر دیپلماتیک بر توقف بحران و مداخله عوامل بین‌المللی در بحران سوریه تمرکز داشت. در بعد امنیتی، هم شروع به اجرای استراتژی «درگیری» کرد؛ چون استراتژی مماشات هیچ نتیجه‌ای در پی نداشت. به‌رغم اینکه سقوط اسد، اولویت ترکیه در خصوص بحران سوریه بود، اما ترکیه به‌دلیل بی‌میلی یا ناتوانی در استفاده از ابزارهای لازم نتوانست در مراحل اولیه به موفقیت دست یابد (Ataman and Özdemir,2017:20). سپس ترکیه برای سرنوشت اسد استراتژی اتحاد با گروه‌های مخالف سوری را اعمال و جنگ نیابتی را شروع کرد بنابراین بلافاصله بعد از آخرین سفر داوود اوغلو، گروه موسوم به شورای ملی سوریه نشست‌های خود را در استانبول شروع کرد (Gü çtü rk,2014:61). مسئله مهم در اینجا این بود که ارتش آزاد سوریه، طیف گسترده‌ای از گروه‌های مخالف و بعضی اوقات حتی گروه‌هایی را که با یکدیگر دشمنی داشتند در برمی‌گرفت. درحالی‌که برخی از این گروه‌ها با داعش می‌جنگیدند، برخی نیز در همان جبهه همراه با داعش علیه دولت می‌جنگیدند. طبق تخمین‌ها، ارتش آزاد سوریه حدود ۹۰۰ گروه مختلف را پوشش می‌داد که عملکرد سازمان را دشوار می‌کرد (Şen,2015: 11-12). بدین‌سان حضور عناصر افراطی در این گروه، سیاست ترکیه در سوریه را در داخل و خارج در معرض

اتهامات منفی قرار داد. این امر مداوم بر استراتژی ترکیه در سوریه تاثیر گذاشت و دشواری ایجاد کرد.

علاوه بر اینها، ترکیه از سال ۲۰۱۱ سعی کرد یک منطقه امن در شمال سوریه ایجاد کند، اما هیچ کنشگر بین المللی از این استراتژی استقبال نکرد بنابراین ترکیه استراتژی خود را تغییر داد و صالح مسلم رهبر پ.ی.د. را به ترکیه دعوت کرد و وضعیت منطقه را مورد توجه قرار داد. ترکیه در این دیدارها خواستار لغو شورای ملی کردهای سوریه، اتحاد آن با شورای ملی سوریه و تلاش برای تشکیل نشدن شورایی جدید شد، اما پس از بازگشت مسلم از آنکارا، وی اعلام کرد که با رد خواسته های ترکیه، اهداف خود را دنبال خواهد کرد (Miş and Özdemir, 2014:207).

تلاش ها برای حل مشکلات بین دولت و نمایندگان کرد در دوره آ.ک.پ و اجرای «روند صلح» در راستای خاتمه دادن به فعالیت های گروه تروریستی جدایی طلب پ.ک.ک بود. در این روند از طریق ملاقات مقامات کشور با عبدالله اوچالان زندانی، مسئولان پ.ک.ک و اعضای ه.د.پ تلاش شد نقشه راه مشخص شود. این روند نگرش تصمیم گیرندگان را در قبال تحولات سوریه تحت تاثیر قرار داد و به جای جلوگیری از ایجاد کریدور ترور در شمال ترکیه، اولویت را به رفتن اسد داد.

با حملات داعش در داخل خاک، نگرانی های امنیتی ترکیه بیشتر شد. ترکیه نیز به ائتلاف جهانی علیه داعش، که در سپتامبر ۲۰۱۴ تشکیل شد، پیوست. هدف این ائتلاف، فراتر از داعش، ایجاد تعادل بین ایران و روسیه بود. از این رو، ترکیه با پیوستن به این ائتلاف تلاش کرد منافع خود را در بحران سوریه به حداکثر برساند و اهداف خود را در کنار مبارزه با داعش محقق کند. روندی که افکار عمومی جهانی آن را «مقاومت کوبانی» نامیدند با برتری جنگجویان ی.پ.گ بر داعش به پایان رسید. (Kassab & Shami, 2016:142) این پیروزی یکی از مهم ترین تحولات جنگ داخلی تا پایان سال ۲۰۱۴ بود. تا سال ۲۰۱۵، تبدیل شدن پ.ی.د به یکی از مهم ترین نیروها در سوریه با افزایش منطقه نفوذ خود و ادامه حفظ اقتدار داعش به عنوان تحولات اولویت دار در کانون توجه قرار گرفت.

از دیگر سو، کمک هایی که آمریکا به نیروهای دموکراتیک سوریه ارسال می کرد، مشکلات زیادی را بین ترکیه و آمریکا ایجاد کرد. در همین دوره ترکیه که باید با حملات مرتبط با

گروه‌های تروریستی پ.ک.ک و داعش در داخل مرزهایش مقابله می‌کرد، از کمک‌های آمریکا انتقاد کرد. به همین ترتیب، ی.پ.گ به پیشروی خود ادامه داد، اما با تصرف و به‌دست‌گرفتن منطقه تحت کنترل مخالفان در مرز ترکیه، واکنش ترکیه شدت یافت.

موضوع خلأ قدرت سیستمی نیز در اینجا مهم بود؛ زیرا علاوه بر بلا تکلیفی نظام و بحران، وارد شدن روسیه در ۲۰۱۵ به ناآرامی‌های سوریه و واکنش ندادن عوامل غربی ماهیت نظام بین‌الملل را تغییر داد. تداوم بحران و درگیری قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل نیز مسئله را پیچیده‌تر کرد. با وجود این، در این فضا ترکیه به سیاست ضد اسد خود ادامه داد و بحران سوریه به تدریج به جنگ سرد بین ایران و ترکیه تبدیل شد. ترکیه به‌عنوان واکنش، هوپیمای روسی را سرنگون کرد و در کنار جنگ عین‌العرب در معرض شدیدترین فشارهای بین‌المللی قرار گرفت و با واکنش تند روسیه مواجه شد. ترکیه از متحدان غربی خود به‌خصوص ناتو انتظار کمک داشت، ولی نتوانست پاسخی دریافت کند. بدین ترتیب، احتمال کشیده شدن به جنگ با روسیه، به نقطه اوج سیاست ترکیه در سوریه تبدیل شد. اختلافات ترکیه با آمریکا و رویکردهای متفاوت به موضوع سوریه، به‌نوعی ترکیه را در سوریه تنها گذاشت. برخلاف متحدان غربی، پوتین حتی پ.ک.ک را به‌عنوان گروه تروریستی نشناخت (Golmohammadi, 2021: 368) بنابراین ترکیه ناچار به همکاری با بازیگرانی مانند عربستان سعودی و قطر شد (Oktav, 2016: 4).

۳-۴. سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه (۲۰۲۰-۲۰۱۶): دوره برگشت به قدرت سخت

این دوره سخت‌ترین مرحله بحران را در برمی‌گیرد. استقرار پ.ک.ک، داعش، جبهه‌النصره و گروه‌های تروریستی مشابه در منطقه، ورود روسیه به جنگ در سوریه، سرنگونی هوپیمای روسی از طرف ترکیه و جنگ عین‌العرب، شدیدترین فشارهای بین‌المللی بود که ترکیه در معرض آن قرار گرفت. تا سال ۲۰۱۵، ترکیه که هدف سیاست خارجی خود را تشکیل دولت جدید سوریه بدون اسد تعیین کرده بود پس از سال ۲۰۱۶ به تدریج تغییر موضع داد. در این روند، پ.ی.د یک اداره («خودمختار») در شمال سوریه را اعلام کرد و به تدریج به‌عنوان یک تهدید فزاینده ادامه داد (Kardaş, 2018: 2; Yesiltaş). برای تسلط بر منطقه مهمی در جنوب ترکیه با حمایت آمریکا، پ.ی.د به دستاوردهای مهمی رسید؛ زیرا آمریکا که از ارتباطات پ.ک.ک به‌عنوان نیروی زمینی استفاده کرد، با آموزش و تجهیز

این گروه‌ها، آنها را به یک سازمان مبارز تبدیل کرد. داعش نیز موقعیت خود را حفظ کرد. روند صلح آغاز شده با کردها در این دوره به پایان رسید. پ.ک.ک اعلام کرد که آتش بس اعلام شده در دوره قبل را لغو کرده است. با توجه به خاتمه روند صلح با کردها، پ.ک.ک اقدامات تروریستی خونینی را آغاز کرد. هم‌زمان داعش در ترکیه اقداماتی مشابه پ.ک.ک انجام داد که ترکیه را وادار کرد به این موضوع اولویت ببخشد. بی‌توجهی آمریکا و به تعویق انداختن مسائل خاورمیانه به دلیل جنگ اقتصادی با چین، روابط دوجانبه ترکیه و آمریکا را به بن‌بست کشید و ترکیه وارد تنش‌های جدیدی با آمریکا شد. کودتای نافرجام ۲۰۱۶ گولنیست‌ها که می‌توان آن را مهم‌ترین تحول در استراتژی سیاست خارجی ترکیه دانست، رخ داد و ترکیه، آمریکا را مسئول این رخداد براندازانه دانست. در این چهارچوب، مشکل خلأ نظام پس از ۲۰۱۶ ادامه یافت و ترکیه سعی کرد سیاست خود را بدون آمریکا ترسیم کند. مهم‌ترین نتیجه این تنش‌ها نزدیک شدن ترکیه به ائتلاف روسیه و ایران بود. ترکیه با استفاده از این فضا برای امنیت استراتژیک، روند آستانه را در سوریه شروع کرد و توافق‌های مختلفی را در این راستا انجام داد. به‌ویژه موضوع سیستم‌های موشکی س-۴۰۰ دو طرف را به هم نزدیک کرد بنابراین نزدیک شدن ترکیه به روسیه که در چهارچوب مولفه‌های ساختاری قابل‌ارزیابی است، سرکوب گروه‌های مرتبط با پ.ک.ک را با استفاده از امکانات نظامی به‌دنبال داشت و در مجموع برای این مهم، چهار عملیات پس از سال ۲۰۱۶ انجام شد. این امر به‌خصوص به روابط نزدیک دو رئیس‌جمهور هم مربوط می‌شد (Barlas, 2020). روند آستانه و نشست سه‌جانبه میان رئیس‌جمهورهای ترکیه، ایران و روسیه که با مذاکرات سوچی شروع شد و اقدامات مشابه آن، مرحله خاصی از نظم را در سوریه به‌همراه آورد. این واقعیت که فشارهای سیستماتیک (شمال سوریه، مسئله پناهجویان) ترکیه را مجبور به پرداخت هزینه‌های سنگین کرد، زمینه را برای درک جدیدی از امنیت به هر قیمتی فراهم کرد.

ترکیه در سوریه با استراتژی درگیری نظامی و قدرت سخت، با انجام عملیات سپر فرات در ۲۰۱۶ و شاخه زیتون در ۲۰۱۸ شروع به پاک‌سازی عناصر پ.ک.ک و پ.ی.د از منطقه کرد. عملیات ۲۰۱۷ با دستیابی به تمام اهداف به جز منبج و پاک‌سازی نهایی الباب از داعش انجام شد. بدین ترتیب، ترکیه از اتحاد مناطق تحت کنترل پ.ی.د جلوگیری و درعین حال از اسکان مجدد سوری‌ها در مناطق تحت کنترل پشتیبانی کرد. عملیات سپر فرات به‌خاطر

تأمین منافع ترکیه در منطقه و مخالفت نکردن روسیه و آمریکا در برابر آن در حین انجام این عملیات، تحول بسیار مهمی به شمار می‌آید. در این دوره جدید، ترکیه به جای سیاست خارجی با محوریت یورو آتلانتیک، به سیاست خارجی چندجانبه روی آورد. چنان‌که بیان شد سیاست چندجانبه‌گرایی و موازنه قوای ترکیه که با روند آستانه در دسامبر ۲۰۱۶ آغاز شد، با اجلاس سه‌جانبه سران، که روند سوچی نامیده می‌شود، ادامه یافت و جلسات ۲۲ نوامبر ۲۰۱۷ در سوچی و جلسه پنجم آن در آنکارا در ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۹ برگزار شد و تداوم یافت. توسعه روابط، به‌ویژه با روسیه، به بیرون آمدن سیاست خارجی ترکیه از حالت انزوا کمک کرد. ترکیه همراه با روسیه و ایران در شکل‌گیری آینده سوریه مشارکت کرد. طرفین که برای اولین بار در ۲۰ دسامبر ۲۰۱۶ در مسکو تشکیل جلسه دادند، روند آستانه را از ژانویه ۲۰۱۷ آغاز کردند و ابتکار عمل را برای پایان دادن به جنگ داخلی و آغاز یک روند جدید به دست گرفتند. بر اساس توافق حاصل شده در روند آستانه، در ۸ اکتبر ۲۰۱۷، ترکیه با همکاری ارتش آزاد، عملیات نظامی جدیدی برای پاک‌سازی ادلب از تروریسم و حفاظت از غیرنظامیان انجام داد (Habertürk, 2017). در عین حال، روابط ترکیه با آمریکا که با عملیات رقه در سال ۲۰۱۷ برخلاف امنیت ملی ترکیه اقدام کرده بود همچنان سرد و پرتنش بود، در سال ۲۰۱۸ وارد سخت‌ترین مرحله خود شد (Kanat, 2019: 183).

در این دوره، ترکیه ضمن تأکید بر دیپلماسی چندجانبه، با در پیش گرفتن دیپلماسی بشردوستانه و با پیشی گرفتن از آمریکا به کشوری تبدیل شد که بیشترین کمک‌های بشردوستانه را در جهان ارائه کرد. این در حالی بود که این کشور هم‌زمان با پذیرایی از حدود پنج میلیون پناهنده که ۳.۶ میلیون آنها سوری بودند، از اتخاذ سیاستی صرفاً امنیتی، واقع‌گرایانه، بیگانه‌هراس و ضد مهاجر اجتناب می‌کرد. در نهایت با عبور از این بحران، بن علی ییلدیریم که در ماه مه سال ۲۰۱۶ به جای داوود اوغلو منصوب شد، با شعار «کاهش دشمنان، افزایش دوستان» نشانه‌ای از احیای مجدد روابط و سیاست خارجی ارائه داد (Dalay, 2016). این رویکرد گرچه تفاوت چندانی با سیاست صفر نداشت؛ با هدف کاهش و محدودسازی تنش‌ها پس از بهار عربی به‌ویژه در سوریه، با همراهی و رهبری رئیس‌جمهور در سیاست خارجی همراه بود.

در نهایت براساس آنچه بیان کردیم، در یک نگاه می‌توان عناصر تأثیرگذار بر سیاست خارجی ترکیه در سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۲۰ در برابر سوریه را به این شیوه صورت‌بندی کرد:

جدول ۱. عناصر تأثیرگذار بر سیاست خارجی ترکیه از سال ۲۰۲۰-۲۰۰۲ در قبال سوریه براساس نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک

دوره زمانی	متغیر مستقل	متغیر مداخله‌گر	متغیر وابسته
۲۰۰۲-۲۰۱۱	- از بین رفتن توازن منطقه‌ای (در عراق و افغانستان) - مشکلات در مذاکرات عضویت اتحادیه اروپا - بحران اقتصادی جهانی ۲۰۰۸	- اتکا بر دموکراسی و آزادی مردم - حزب عدالت و توسعه سیاست‌های خارجی ترکیه - سیاست عمق استراتژیک ترکیه - فشار سیاسی داخلی از سوی مخالفان حزب عدالت و توسعه در خصوص سیاست‌های خارجی آن در براندازی اسد	- سیاست تسکین‌دهنده در منطقه - سیاست‌های میانجی‌گرایانه در منطقه - سیاست اقتناع اصلاحات در مقابل بشار اسد - لغو روایتید
۲۰۱۲-۲۰۱۵	- ایجاد بحران در سیستم بین‌المللی - نبردهای نیابتی در سوریه و بروز کشمکش‌های منطقه‌ای در مرزهای جنوبی ترکیه (ایران و روسی = طرفداری از اسد، عربستان، امارات، قطر و ترکیه = پشتیبانی از مخالفان اسد) - مداخله روسیه در سوریه - حمایت نکردن غرب از سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه	- تنهایی و سیاست عقب‌گرد ترکیه - انتظار سقوط اسد در سوریه - زمزمه وقوع کودتا و تشدید مشکلات سازمان‌های داخلی ترکیه با دولت - ناتوانی در تصمیم‌گیری چابک	- گرایش به محور مقابل روسیه و ایران در سوریه - رجوع نسبی به قدرت سخت (سقوط پرواز روسیه)
۲۰۱۶-۲۰۲۰	- عقب‌نشینی در مواضع عربی عربستان و قطر در سوریه - همکاری روسیه با ایران در موضوع بشار اسد	- کودتای نظامی فتح‌الله گولن علیه دولت عدالت و توسعه - واگرایی سیاست با غرب - خروج از انزوا در منطقه - همکاری و هماهنگی بین سازمان‌های داخلی ترکیه - چابکی در تصمیم‌گیری سیاسی - محوریت قدرت سخت - بحران پناهجویان و تمرکز بر ایجاد منطقه امن	- ورود نیروهای مسلح ترکیه به سوریه و انجام عملیات برون‌مرزی در خاک سوریه - سیاست میدان و مذاکره در نبرد سوریه - ابراز وجود در منطقه در روندهای سوچی و آستانه

منبع: نگارندگان

۴. جمع‌بندی

رهبران آ.ک.پ تصور می‌کردند که می‌توان روند بهار عربی را رهبری کرد و این روند را فرصتی برای تبدیل شدن به یک کشور نمونه می‌دیدند، اما این طور نشد. بر مبنای این نگرش، سیاست ترکیه تا ۲۰۱۵ در سوریه مبتنی بر مدیریت تغییر و تحول حکومت بود، اما نه قدرت نرم و نه قدرت سخت ترکیه برای کنترل روند بهار عربی و پر کردن خلأ قدرت، حتی برای

سوریه کافی و اثربخش واقع نشد. نفوذ فزاینده پ.ی.د و گروه تروریستی داعش در سوریه، این کشور را به یکی از جدی‌ترین مراکز بحران امنیتی در جهان تبدیل و ترکیه را به شدت نگران کرد. علاوه بر ناکامی ترکیه در دستیابی به آرمان‌های خود، از سال ۲۰۱۴ این کشور وادار به مبارزه با داعش و در سال ۲۰۱۶ با پ.ی.د شد. نفوذ عناصر برانداز به سیستم دولتی ترکیه، نقطه شکست داخلی این کشور بود و موجب تغییر در رویکرد سیاسی آن شد. در نتیجه، هم قدرت نرم ترکیه توانست تحولات سوریه را کنترل کند و هم در سیاست داخلی ترکیه تغییراتی اساسی رخ داد که این دو، ترکیه را به اتخاذ سیاست قدرت سخت واداشت. دکترین جدید امنیتی ترکیه از سال ۲۰۱۶ در مسئله فرامرزی، استراتژی حذف تهدیدات از مبدأ را با قدرت سخت دنبال کرد. به طور کلی، رویکرد سیاست خارجی ترکیه در دوره مورد بررسی، از به‌کارگیری قدرت نرم به سمت تلفیقی از قدرت نرم و سخت با توجه و عنایت به قدرت سخت تغییر یافت.

References

- Altunışık, Meliha Benli (2020), The New Turn in Turkey's Foreign Policy in the Middle East: Regional and Domestic Insecurities, FEPS-IAL., Vol.20, No.17, pp. 1-22, (Doi: 978-88-9368-137-7).
- Aras, Bülent (2017). Turkish Foreign Policy After July 15, Istanbul Policy Center, Sabancı University, pp. 1-15.
- Aras, Bülent (2009). Ortadoğu'da İşbirliğinden Entegrasyona, SETAV, 22 July, <https://www.setav.org/ortadoguda-isbirliginden-entegrasyon> (22.10.2021).
- Aras, Bülent, Falk, Richard (2016). Five Years After the Arab Spring: A Critical Evaluation, Third World Quarterly, Vol. 37, Issue 12, pp. 2252-2258, (Doi: 10.1080/01436597.2016.1224087)
- Ataman, Muhittin and Özdemir, Çağatay (2018). Turkey's Syria Policy: Constant Objectives, Shifting Priorities. Turkish Journal of Middle Eastern Studies, Vol. 5, No. 2, pp.13-35. DOI: 10.26513/toecd.466046.
- Barlas, Mehmet (2020). Uçak Krizinden Beri Erdoğan ile Putin 74 Defa Görüşmüş, Sabah, 6 March, <https://www.sabah.com.tr/yazarlar/barlas/2020/03/06/ucak-krizinden-beri-erdogan-ile-putin-74-defa-gorusmus>(19.06.2022).
- Bloomberght (2011). Suriye'ye ihracat 10 yılda 9 kat arttı, 13 Jan, <https://www.bloomberght.com/haberler/haber/546679-suriyeye-ihracat-10-yilda-9-kat-artti>, (08.06.2022).
- Chegenizadeh, Gholamali and Behzad Khoshandam (2010). Cooperation and Confrontation between Periphery and West Approach in Turkish Foreign Policy, Foreign Relations, No. 55, pp. 189-220 .[in Persian]
- Dalay, Galip (2016). Dış Politikada Ölçek Küçültmeli ama Ölçü de Kaçmamalı, Karar, 2 July, <http://www.karar.com/yazarlar/galip-dalay/dis-politikada-olcek-kucultmeli-ama-olcu-de-kacmamali-1523> (01.02.2022).
- Davutoğlu, Ahmet (2011). Strategic Depth, 72th Edition, İstanbul, Küre, [in Turkish]

- Davutoğlu, Ahmet (2010). Turkey's Zero-Problems Foreign Policy, Foreign Policy, 20 May, <https://foreignpolicy.com/2010/05/20/turkeys-zero-problems-foreign-policy>, (15.10.2021).
- Davutoğlu, Ahmet (2004). İş dünyası artık dış politikanın öncülerinden, *Turkishtime*, Nisan-Mayıs, http://www.turkishtime.org/27/66_tr.asp (12.02.2022).
- Dietrich, Jung (2005). Turkey and the Arab World: Historical Narratives and New Political Realities, *Mediterranean Politics*, Vol. 10, No.1, pp. 1-17, (Doi: 10.1080/1362939042000338818).
- Golmohammadi, Vali (2021). Turkish-Russian Relations in the Post-Western World; from Geopolitical Rivalry to Strategic Partnership, *Journal of Central Eurasia Studies*, Faculty of Law and Political Science, Vol. 14, No.1, pp. 353-376, (Doi: 10.22059/JCEP.2021.312904.449958). [in Persian]
- Güçtürk, Yavuz (2014). İnsanlığın Kaybı: Suriye'deki İç Savaşın İnsan Hakları Boyutu, Ankara, SETA Report, pp. 1-93.
- Güder, Süleyman and Mercan, M. Hüseyin (2012). The Main Parameters of the Turkish Foreign Policy and Middle East after 2000, *İnsan ve Toplum*, Vol 2, No. 3, pp. 57-92.
- HaberTürk (2017). İdlib'e doğru, 07 Oct, <https://www.haberturk.com/idlib-e-dogru-idlib-son-dakika-idlib-son-durum-suriye-de-son-durum-1663002>, (15.05.2022).
- Hacısalihoglu, İ. Yaşar (2001). *Yeni Dünya Düzeni Arayışı ve Türkiye*, Çantay.
- Han, Ahmet K. (2013). *Paradise Lost: A Neoclassical Realist Analysis of Turkish Foreign Policy and the Case of Turkish-Syrian Relations*, Routledge, 1th Edition, ebook.
- Hürriyet (2011). Erdoğan'dan Önemli Mesajlar, 5 September, <https://www.hurriyet.com.tr/gundem/erdogandan-onemli-mesajlar-21386210>, (16.01.2022).

- Kanat, K. Buğra (2019). Türkiye'nin ABD Politikası 2018, (Ed) Burhanettin Duran, Kemal İnat, Mustafa Caner, into Türk Dış Politikası Yearbook 2018, İstanbul, SETA, pp. 287-308.
- Kardaş, Tuncay & Yesiltaş, Murat (2018). Rethinking Kurdish Geopolitical Space: the Politics of Image, Insecurity and Gender, Cambridge Review of International Affairs, Vol. 30, No. 2-3, pp. 256-282, (Doi: 10.1080/09557571.2017.1410098).
- Kassab, Robin Y. and Al-Shami, Leila (2016). Burning Country: Syrians in Revolution and War, Pluto Press, London.
- Keyman, Fuat (2010). Türk Dış Politikasında Eksen Tartışmaları: Küresel Kargaşa Çağında Realist Proaktivizm, No. 15, SETA Analysis, pp. 1-16.
- Kiani, Mohammad Reza (2012). Turkey's position in regional and trans-regional developments, Tehran: Institute of Strategic Studies in the Middle East <https://www.cmess.ir/Page/View/2012-07-04/772>. [in persian]
- Meral, Ziya & Paris, Jonathan (2010). Decoding Turkish Foreign Policy Hyperactivity, The Washington Quarterly, Vol. 33. No. 4, pp. 75-86, (Doi:10.1080/0163660X.2010.516613).
- Miş, Nebi and Özdemir Ömer, Behram (2014). Syria 2013, Middle East Yearbook, ORMER, pp. 1-26.
- Oğuzlu, Tarık (2008). Middle Easternization of Turkey's Foreign Policy: Does Turkey Dissociate from the West?, Turkish Studies, Vol. 9, No. 1, pp. 3-20, (Doi: 10.1080/14683840701813960).
- Oktav, Ö. Zeynep (2016). Suriye Krizi, Türkiye- İran'ın Çatışan Çıkarları ve Küresel Aktörlerle İlişkileri, (Ed) Reyhan Doğan, into Turkish-Arab Relations: Multi-Dimensional Security Building (book), İstanbul, TASAM, pp. 47-51.
- Oran, Baskın (2013). Türk Dış Politikası Kurtulus Savaşından Bugüne Olgular, Belgeler, Yorumlar, İstanbul, İletisim.

- Oztig, Lacin Idil (2019). Syria and Turkey: Border-Security Priorities, Middle East Policy, Vol. 26, No. 1, pp.117-126, (Doi:10.1111/mepo.12404).
- Şen, Abdulkadir (2015). Suriye Askeri Muhalefeti, Center For Middle Eastern Strategic Studies, ORSAM Report, No. 202, pp. 1-112.
- Taşpınar, Ömer (2012), Turkey's Strategic Vision and Syria, The Washington Quarterly, Vol.35, No.3, pp.127-140, (Doi:10.1080/0163660X.2012.706519).
- Usluer, Ayşe Sözen (2016). The July 15 Failed Coup Attempt and Its Implications for Turkish Foreign Policy, Bilig, No 79, pp. 23 – 44, Retrieved from <https://dergipark.org.tr/tr/pub/bilig/issue/48706/619728>
- Walker, Joshua W. (2011). Introduction: The Sources of Turkish Grand Strategy- 'Strategic Depth' and 'Zero-Problems' in Context, (ed)Nicholas Kitchen, (SR007), LSE IDEAS, London School of Economics and Political Science, pp. 1-12.
- Yeşiltaş, Murat and Balcı, Ali (2011). A Dictionary of Turkish Foreign Policy in the AK Party Era:A Conceptual Map, Bilgi Sosyal Bilimler Dergisi, No. 2, pp. 9-34, Retrieved from <https://dergipark.org.tr/tr/pub/bilgisosyal/issue/29133/311616>
- Zisser, Eyal (2005). Basharal-Assad: In or out of the new world order?, The Washington Quarterly, Vol3, No.28, pp.115-131, (Doi:10.1162/0163660054026506).